

به نام خدا

جادو

نویسنده

One Book



One Book

واژه شناسی

واژه «جادو» در زبان پهلوی *jādug* بوده است. لیکن در پهلوی و نوشته‌های کلاسیک فارسی از جمله شاهنامه کلمه «جادو» به معنی شخص جادوگر است. عملی که این شخص انجام می‌دهد «جادوی» است که به معنی جادوگری است یعنی امروز «جادوی» را «جادو» می‌گویند و ناچار «جادو» را «جادوگر» می‌گویند. دو نمونه از کاربرد «جادو» در معنی اصیل آن ذکر می‌شود: در خوان چهارم رستم (زن جادو=جادوگر) در شاهنامه آمده است «چو آواز داد از خداوند مهر / دگرگونه گشت جادو (=جادوگر) به چهر». در مثالی اخیرتر سعدی می‌گوید «همشیره جادوان (جادوگران) بابل / همسایه لعبتان کشمیر»

واژه عربی *سِحْر* نیز در فارسی هم معنی با جادو استفاده می‌شود و جادوگر را ساحر نیز می‌نامند. واژه فارسی افسون در قدیم هم معنا با جادو استفاده شده اما امروزه معنای آن بیشتر نزدیک به طلسم یا وردهایی است که برای طلسم خوانده می‌شود. به کسی که افسون می‌کند افسونگر گفته می‌شود. تعویذ به وردها و دعاهایی گفته می‌شود که نوشته شده و همراه برده می‌شود. واژه

نیرنگ نیز در قدیم به عنوان مترادف با جادو و افسون به کار می‌رفته است.

امروزه عبارت «جادو جَنَبَل» یا «جنبل و جادو» به عنوان عنوانی تحقیق‌آمیز برای جادو به کار می‌رود. در قصه‌های فارسی عبارتی که به عنوان نمونه‌ای کلی از ورد جادوگران استفاده می‌شود به این صورت است: «أَجِّی مَجِّی لا تَرَجِّی».

در اسلام

دین اسلام به جادوگری باور دارد. بنا به گفته قرآن در سوره بقره جادوگری توسط شیاطین از زمان حضرت سلیمان رواج یافت چنان که شیاطین برای اختلاف و جدایی انداختن و بروز انواع فتنه‌ها به مردم جادو را آموزش می‌دادند که خداوند دو ملک به نامهای هاروت و ماروت را مامور ساخت تا راه مقابله با جادو را به مردم یاد دهند خداوند درباره جادو می‌فرماید: "ساحر هر کاری که کند و از هر دری که وارد شود خوشبخت و رستگار نمی‌شود."

ترفندهای خیالی را در اسلام این طور نام برده‌اند و معنا و دسته‌بندی کرده‌اند (ترتیب موارد در دسته بندی زیر اصلاح شده است):

- علم و فنّ تنویم یا خواب مصنوعی یا خواب مغناطیسی یا هیپنوتیزم
- جادو (در معنای خاص): ایجاد تغییری در عالم مادّه به روشی فراطبیعی به اراده جادوگر.
- کیمیا: علمی که در مورد تبدیل مس، فلزات، یا حتی سنگ به طلا بحث می‌کند. تلاش در این زمینه منشاء به وجود آمدن علم شیمی شد.
- هیمیا یا علم و فنّ طلسم‌ها: روش ترکیب قوای عالم بالا با موجودات عالم پایین
- علم و فنّ اعداد و اوفاق: درباره ارتباط اعداد و حروف مطالب با هم و تشکیل جداول خاصی به صورت مثلث یا مربع و قرار دادن حروف و اعداد در خانه‌های آن برای رسیدن به مطالب مختلف به طرزی مخصوص
- علم و فنّ خافیه: در مورد چگونگی تغییر و تکثیر حروف و اسامی چیزی که مورد نظر است و استخراج نام‌های ملائکه و شیاطین موکل بر آنها. سپس دعا کردن با وردی که از آنها تشکیل شده.
- علم و فنّ احضار ارواح (شبهه لیمیا)
- لیمیا یا علم و فنّ تسخیرات: چگونگی ارتباط با ارواح قدرتمند عالم بالا. (شبهه احضار ارواح)

- مانند تسخیر جن
- سیمیا: دربارهٔ چگونگی ترکیب اراده و قوای فیزیکی خاص برای کارهای عجیب
- از انواع آن علم و فنّ ریمیا یا تردستی یا چشم بندی در فارسی یا شعبده در عربی ست: روش استفاده از قوای فیزیکی و خصلتهای حواس انسان، برای واثمود کردن آثار خاصی به چشم و گوش و حواس یا حتی ذهن (یعنی به کمک قوهٔ خیال بیننده آثاری عجیب در نظرش مجسم می‌کند که وجود ندارند). چه با روش‌های فیزیکی، مادی و طبیعی؛ و چه فراطبیعی^[۷]
- پیشگویی یا غیب‌گویی: علم خبر دادن از حوادث در گذشته، حال یا آینده؛ که بر غیب‌گو پنهان است، با دخالت ارادهٔ غیب‌گو. این فن انواعی دارد:
 - عرّافی: عرّاف کسی ست که از کلمات و حالات و رفتار سوال کننده پی به آیندهٔ او ببرد.
 - کهان‌ت (در معنای خاص): کاهن کسی ست که برای او صاحب رایی از طایفهٔ جن باشد و او را به آینده خبر دهد. یا به امور مخفی خبر دهد. مثلاً فلان مال دزدیده شده کجاست؟ چه کسی فلانی را کشت؟ ...

کیمیا، سیمیا، لیمیا، هیمیا و ریمیا را علوم یا فنون پنج گانه مخفی می خوانند. کهنات در معنای عام یعنی برقراری رابطه با یک جن. کاهن نه تنها می تواند از جن در مورد گذشته، حال، یا آینده بپرسد؛ بلکه می تواند از او بخواهد کاری عجیب انجام دهد. زبان سحر و جادو زبان خاصی است و فقط برخی از حروف آن با فارسی و عربی مشترک است و بیشتر در نحوه نوشته شدن آنها فرق است.

در جوامع اروپایی

در میان عوام در اروپا

- تحت تاثیر قرار دادن وقایع، با استفاده از نیروی اسرار آمیز یا فراطبیعی
- حقه های مرموزی که برای سرگرمی اجرا شود.

بر حسب دسته بندی ریچارد کیک هفر، مورخ دانشگاهی:

- جادوی روان شناختی: اولی بر روی ذهن دیگری تأثیر می گذارد تا آنگونه که جادوگر می خواهد عمل کند، مانند علاقه مند ساختن کسی به دیگری

One Book

- جادوی خیالی یا توهمی: پدید آوردن عجایب گوناگون به چشم بیننده. مانند جادویی که ضیافت شامی را پدید آورد یا جادوگر را نامرئی کند،
- جادویی که تغییر فیزیکی واقعی در شیئی بوجود آورد، در این تقسیم بندی گنجانده نشده است. مثلاً معجزه

در افسانه‌ها:

- جادوی واضح: جادویی است که به سرعت نتیجه‌اش ظاهر شود.
- جادوی تدریجی و ظریف: جادویی است که اثرش به طور تدریجی و نامحسوس دنیا را تغییر می‌دهد.
- در نظریات جدید؛ برحسب آنچه در جادو استفاده می‌شود (ممکن است همه یا بعضی موارد استفاده شود):
- جادوی سرایتی: به کمک اجسام فیزیکی که زمانی با شخص یا چیزی که جادوگر می‌خواهد روی او تأثیر بگذارد، در تماس بوده‌است.
- جادوی همسانی با استفاده از تصاویر یا اشیای فیزیکی است که به نوعی با شخص یا چیزی که می‌خواهیم تحت تأثیر قرار دهیم، شباهت دارد. مانند عروسک‌های وودو

One Book

در فرهنگ عام بر حسب تعالی:

- جادوی متعالی یا جادوی سفید: از یک نیروی الهی کمک می‌گیرد و هدف متعالی دارد
- جادوی پست یا جادوی سیاه: جادویی که با نیروهای پست از قبیل مرگ سر و کار دارد یا هدف شخصی دارد. مثلاً
- برای آسیب زدن به فردی استفاده شود
- با اجساد و مواد مرده (گاهی نفرت انگیز و کثیف) سروکار دارد
- احظار و گفتگو با روح مردگان مثلاً جهت گفتگو با روح عزیزی که مرده‌است یا برای گرفتن اطلاعات از روحهای مردگان به عنوان نوعی پیش‌گویی یا برای کمک گرفتن در انجام جادویی دیگر.

در فرهنگ عام بر حسب روش؛ مواردی که بین مردم معروف است:

- ورد: شناخته شده ترین عمل جادوگری، اوراد و حرکاتی است طبق روندی خاص (اغلب خواندنی، نوشتنی، حرکتی و گاه با

وسایلی چون گوی و چوب دستی جادویی) که اجرای آن اثر خاصی را به همراه دارد.

• غیب گویی: یک عمل جادوگری مشهود دیگر است که هدف آن دادن اطلاعات درباره گذشته، حال و آینده (پیشگویی است). این کار اغلب با ابزاری انجام می‌شود. انواع غیب گویی عبارتند از:

- طالع بینی، فال گیری و تفسیر فال یا طالع
- فال ورق: غیب گویی به کمک ورق فال گیری
- غیب گویی به کمک رصد ستارگان
- غیب گویی به کمک رمل و اسطرلاب
- غیب گویی به کمک گوی بینی
- مشورت با فردی غیرقابل رویت.
- کهنات اگر با فردی از نوع جن مشورت انجام شود، آن را کهنات و مشورت گر را کاهن گویند.
- این لغت معانی دیگری هم دارد
- نوع خاصی از آن را ئی چینگ می‌نامند
- عرافی: غیب گویی با نگاه کردن به ظاهر فرد
- غیب گویی به کمک جادوی سیاه

در مکتب تلما

آلیستر کراولی جادو به جای Magic به صورت Magick می‌نویسد و ظاهراً معنای خاصی برای آن دارد.

موارد ظاهراً مشابه اما متفاوت با جادو

تعریف اعمال مشابه دیگر در اینجا، کمک می‌کند تا متوجه تفاوتشان با جادو شویم:

- دعا و نیایش که یک عبادت است، اگرچه به ورد که نوعی جادو دانسته می‌شود، شبیه است.
- عمل قربانی‌کردن برای یک موجود یا خدای مافوق طبیعی و سپس درخواست از این خدا یا موجود و میانجی‌گری آن خدا در اجابت آن عمل نیز در صورت اجابت به جادو شبیه است.

تفاوت دعا و جادو این است که:

1. دعا و عبادت نیاز به خواست شخص و موافقت یک خدا دارد که می‌تواند درخواست را رد کند. اما شرایط موفقیت شخصی و ناشی از عملکرد معیوب جادوگر است

2. هنگامی که دعا منجر به نتیجه نمی‌شود، به این معناست که خدا اینگونه خواسته. اما هنگامی که جادویی موثر نمی‌افتد، به علت نقص در عملکرد جادوگر است.

3. جادو بیشتر دارای یک دستورالعمل خاص است. اما دعا بدون تفکر و دقت قبلی نیز صورت می‌گیرد.

بعضی بر این باورند که چه در دعا و چه در جادو به کار بستن خود باور یا ایمان است که نتیجه مطلوب را به بار می‌آورد. اما نیایش‌گر به تاثیر خدا یا واسطه باور دارد. در حالی که جادوگر به تاثیر اراده خود از راهی غیر طبیعی ایمان دارد. کسی هم که اعتماد به نفس دارد به تاثیر اراده خود از راهی طبیعی ایمان دارد.

استفاده نابجا از این کلمات

لغات مرموز اغلب عمداً یا سهواً در معنای یکدیگر به کار می‌روند. این سوء تفاهم‌ها گاه مهم می‌شوند. مثلاً:

1. کیمیاگران در قدیم، برای رسیدن به سنگ کیمیا که فلزات، مخصوصاً مس را به طلا تبدیل می‌کرد به طور سری تلاش می‌کردند. نتیجه تلاش‌های آنها کشف بعضی واکنش‌های شیمیایی و عناصر و ... بود. آنها این اعمال را کیمیا می‌دانستند و علایم ستاره‌شناسی را برای نشان دادن عناصر به کار می‌بردند. این علایم در شکل روبرو آمده. اما اکنون معلوم شده که واکنش‌های شیمیایی حقیقی، طبیعی و غیر جادویی (در معنای عام) اند.
2. نجوم، یا علم ستاره‌شناسی در قدیم نوعی جادو تلقی می‌شده. اما اکنون پیش‌گویی به کمک ستارگان، از ستاره‌شناسی جدا شده است.
3. مخالفان پیامبران گاه معجزات آنها را سحر می‌خواندند، تا معجزه بودن آنها را انکار کنند.
4. افرادی نیز سحر یا اعمال عجیب خود را معجزه می‌خوانده‌اند تا بتوانند ادعای پیامبری کنند.

از این پس در مقاله منظور از لغت جادو، جادوی خاص است.

اعتقاد به جادو در میان ملل و ادیان

هر گاه نتوان چیزی را به طور جهانی اثبات کرد، اعتبار آن را می‌سنجند (یعنی اعتقاد یا باور به آن). وجود جادو نیز به طور جهانی اثبات نشده. اما اعتبار نسبتاً جهانی دارد.

در دین یهود

تورات به کرات به مزمت و نکوهش جادو و جادوگری ویا استفاده از نیروهای غیرالهی پرداخته است. مانند:

- به احضارکنندگان روح و جادوگران مراجعه نکنید. خواستار ناپاک شدن به وسیله آن‌ها نباشید. من خداوند هستم. تورات کتاب لاویان فصل ۱۹، آیه ۳۱
- چیزی را با خونابه نخورید فال نگیرید. غیب‌گویی نکنید. فصل ۱۹، آیه ۲۶
- بین تو، کسی که پسر یا دخترش را در آتش نابود کند، شعبده‌باز، غیبگو، فالگیر و جادوگر نباشد و افسونکننده (ی‌گزندگان) و احضارکننده روح و ساحر و کسی که از مردگان پرسش کند. تورات کتاب تثنیه فصل ۱۸ آیه‌های ۱۰ و ۱۱
- جادوگر را زنده نگذار. تورات کتاب خروج فصل ۲۲ آیه ۱۷

حضرت سلیمان پیامبر می‌توانست بر اساس اراده الهی با پادشاهی حیوانات ارتباط برقرار کند.

در دین اسلام

مطالب مربوط به حوادث عجیب در اسلام و خصوصاً قرآن چند دسته‌اند:

1. نابودی ناگهانی تمدن‌هایی که به پیامبرانشان ایمان نیاوردند با عذاب به اراده خدا و نه پیامبر. مانند: خدا به حضرت آدم *اسامی* الهی را گفت، و او بر می‌شمرد. هنگامی که از فرشتگان خواسته می‌شود آنها را دوباره تکرار کنند، نمی‌توانند، اما حضرت آدم می‌تواند. این توانایی *خارق العاده* و “اکتسابی” است. زیرا خداوند این توانایی را به موسی آموزش داد

1. عاد

2. ثمود

3. ...

2.

3. معجزه: گذاشتن تاثیری عجیب بر عالم ماده برای اثبات پیامبری فردی بدون دخالت اراده آن پیامبر. معجزه جزو فنون سحرآمیز نیست، زیرا اراده فرد در اثربخشی آنها تاثیری ندارد؛ و توسط عوام به نام جادو شناخته نمی‌شوند. مثال‌هایی از معجزه:

1. تبدیل شدن عصای حضرت موسی به ماری در صحرای سینا

2. تبدیل شدن عصای حضرت موسی به مار بزرگی در مقابل فرعون
3. تبدیل شدن عصای حضرت موسی به اژدها در مسابقه جادوگری که فرعون مصر ترتیب داده بود.
4. تسلط حضرت سلیمان به حیوانات، جن، نیروهای طبیعی مانند باد، و گفتگو با آنها و فرمان دادن به آنها.
4. کرامت: گذاشتن تاثیری عجیب بر عالم ماده به اراده خدا و بدون دخالت اراده آن فرد توسط فردی که پیامبر نیست. در راستای انجام آنچه آیین الهی اش به او دستور می‌دهد.
1. «آصف بن برخیا» با دانشی که در مورد کتاب (شاید یعنی نام‌های الهی) داشته، از جنی بدعمل که اصلاح شده بود و که نزد حضرت سلیمان بود نیز بهتر عمل می‌کرده.
5. جادو (در معنای اصطلاحی قرآن: چشم زخم: در سوره قلم، آیه آخر آمده: و بدرستی که نزدیک بود آنان که کافر شدند، هر آینه تو را توسط چشمانشان (آسیب) بزنند هنگامی که شنیدند قرآن را؛ و می‌گویند که او دیوانه است؛ و (حال آنکه) آن (قرآن) جز پندی برای جهانیان نیست. البته بسیاری مفسران عقیده دارند که این آیه ارتباطی با چشم زخم ندارد:
1. جادوگران در مسابقه جادوگری که فرعون مصر ترتیب داده بود تکه‌های کوچک ماده را مانند مارهایی به حرکت در آوردند.

2. در قرآن آمده که دو فرشته به نام‌های هاروت و ماروت، جادوگری را به انسان یاد دادند و به او دستور دادند تا از آن فقط برای ابطال جادو استفاده کند. تا فرمانبرداری، خودداری و پرهیزکاری او را آزمایش کنند. اما آنها از جادو برای جدایی انداختن میان زن و شوهر استفاده می‌کردند.

6. در آیین هندو

همیشه عده بسیاری قبول داشته‌اند که آیین هندو و هند سرزمین جادو، هم مافوق طبیعی و هم از دیگر انواع آن بوده‌است. هندوئیسم یکی از معدود دین‌هایی است که متون مقدسی مانند وداس دارد و در آن در مورد جادوی سیاه و سفید هر دو بحث می‌کند. ودا آتاروا آن نوع ودایی است که با مانتراها سرو کار دارد و هم برای جادوی خوب و هم بد به کار می‌رود. واژه مانتریک در هند، به معنای “جادوگر” است، زیرا مانتریک، مانتراها، طلسم‌ها و نفرین‌ها را می‌داند و می‌تواند برای یا بر ضد انواع جادو استفاده شود. بسیاری از زاهدان پس از دوره‌های توبه و مدیتیشن به مقامی می‌رسند که دارای نیروای ماورا الطبیعه می‌گردند. با این وجود، بسیاری این را انتخاب نمی‌کنند و در عوض از طریق ورود به عرصه روحانیت به نیروهای فراطبیعی دست پیدا می‌کنند. گفته می‌شود بسیاری از سیدهارها معجزاتی انجام داده‌اند که انجام آنها غیر ممکن است.

در قبایل غیر متمدن

One Book

7. از قبایل بومی در استرالیا و نیوزلند گرفته تا قبایل ساکن در جنگل‌های بارانی آمریکای جنوبی، قبایل آفریقایی و ملحدان الحاد باستان، گروه‌های قبیله‌ای در اروپا و جزایر بریتانیا، نوعی تماس با دنیای ارواح در رشد این جوامع بشری، به چشم می‌خورد. نقاشی‌هایی که در غارهای باستانی در فرانسه موجود است، فرمول‌های جادوگری هستند که برای دستیابی به شکار موفق تولید شده بودند. بسیاری از عناصر تصویری بابلی‌ها و مصری‌ها نیز از منابع این چنینی گرفته شده‌اند. با وجود اینکه سنت‌های جادویی بومی تا به امروز باقی هستند، بعضی جوامع بسیار زود از زندگی کوچ نشینی به تمدن‌های وابسته به کشاورزی روی آوردند و رشد زندگی معنوی، انعکاس دهنده زندگی شهری بود. همانطور که بزرگان قبایل به شاه‌ها و بروکرات‌ها تغییر یافتند، شعبده بازان و استادان نیز به روحانیان و یک طبقه روحانیت تغییر یافتند. این تغییرات فقط در نام گذاری و اسم‌ها نبود. فعالیت‌های آنها نیز تغییر یافت. در حالی که کلر شعبده باز قبیله برقراری ارتباط و رایزنی میان قبیله و دنیای ارواح طبق خواسته جمعی قبیله بود، نقش روحانی انتقال دستورات خدایان به شهرها، از طرف خدایان و طبق خواسته جمعی خدایان بود. این تغییر نشانگر اولین غضب قدرت توسط ایجاد فاصله بین جادو و کسانی که آن را انجام می‌دادند بود. در این مرحله از توسعه بود که مناسک مدون و همراه با جزئیات

پدید آمدند و زمینه را برای دین هایاسمی نیز فراهم کردند؛ مثلاً
مراسم به خاک سپاری مصریان و مناسک قربانی کردن بابلیان،
پارس‌ها، آزتک‌ها و مایان‌ها.

نفی جادو در میان ملل و ادیان

یهودیت، مسیحیت به طور رسمی، جادو را منع می‌کنند و همیشه جادوگران را با درجات مختلفی از شدت تعقیب و تنبیه کرده‌اند. این ادیان جادو را یا پندار باطل می‌دانند یا ناشی از دخالت موجودی (مانند فرشته یا جن) که با جادوگر پیمان بسته تا طبیعت را به خواست او دستکاری کند.

مسلمانان یا پیروان اسلام، به وجود «جادو» یا به عربی «سحر» به معنای خاصی اعتقاد دارند و انجام آن («جادوگری» یا به عربی «سحر») را منع و نهی می‌کنند.

در روایات اسلامی پیش بینی شده که فردی به نام دجال پیش از انقلاب مهدی موعود و استقرار حکومت جهانی او، با جادو و شعبده و فناوری

زمان عدّه زیادی را مخصوصاً از زنان و جوانان می‌فریبد و در کار حکومت خلل ایجاد می‌کند.

برخی فرضیه‌ها و نظریه‌های جادوشناسی

کسانی که به وجود جادو عقیده دارند، اثر بخشی آن را به چند علت می‌خوانند:

. به موجب عملی خاص، طبق دستورالعملی خاص؛

. یا توسط قدرت اراده و خواست جادوگر؛

. یا در صورتی که جادوگر عقیده داشته باشد

می‌تواند ارواح مخاطب جادو و طلسم او را به

این کار وادارد

یک بررسی که بر اساس نوشته‌های معتقدان به جادو در غرب انجام شد، نشان می‌دهد که پیروان

آن عقیده دارند که جادو بر اساس یک یا چندی از اصول زیر کار می‌کند:

. "نیروهای طبیعی که نمی‌توانند در حال حاضر توسط علم شناخته شوند" یا اصلاً نمی‌توان آنها را به وسیله علم شناخت. گفته می‌شود که این نیروهای جادویی همراه با ۴ نیروی انسانی طبیعت وجود دارند: جاذبه، الکترومغناطیس، نیروی قوی و نیروی ضعیف.

. «دخالت ارواح» شبیه به این نیروهای طبیعی فرضی، اما با هشیاری و هوشمندی خودشان. کسانی که به ارواح معتقدند، اغلب اوقات کل هستی را به شکل‌های مختلفی می‌بینند که بعضاً ساختار سلسله مراتبی دارد.

. یک "نیروی جادویی"، از قبیل مانا یا نومِن، که در همه چیز وجود دارد. گاهی این نیرو در

یک شی جادویی، مانند سنگ، طلسم یا dehk که جادوگر می‌تواند آن را دستکاری کند، وجود دارد.

یک «ارتباط جادویی متقابل درونی در عالم» که همه چیز را به هم مرتبط و مربوط می‌سازد و فراتر از همه نیروهای طبیعی است. "دستکاری نشانه‌ها و سمبل‌ها. پیروان تفکر جادویی معتقدند که سمبل‌ها برای اهداف دیگری به جز نشان دادن چیزها هم می‌توانند به کار روند: آنها می‌توانند به طرز جادویی خواص فیزیکی شیئی را که نشان می‌دهند ایفا کنند. با دستکاری سمبل‌ها (و همچنین signals)، گفته می‌شود می‌توان واقعیتی را که این سمبل نشانگر آن است نیز تغییر داد.

. اصول «sympathetic magic» مربوط به آقای جیمز جرج فریزر، که در کتابش با نام «شاخه طلایی» (ویرایش سوم، ۱۹۱۵-۱۹۱۱) به وضوح بیان می‌شود. شامل «قانون تشابه» و «قانون تماس» یا «سرایت». اینها، گونه‌های سیستماتیک دستکاری سمبل‌ها هستند. فریزر آنها را به صورت زیر تعریف کرد:

«اگر اصول فکری را که جادوگری بر پایه آنها نباشد، تحلیل کنیم، احتمالاً به ۲ مورد خلاصه می‌شوند: اول اینکه: شبیه، شبیه به خود را تولید می‌کند، یا اینکه یک اثر مشابه علت (دلیل) خود است و دوم اینکه: چیزهایی که زمانی در تماس با هم بوده‌اند، اگر از هم جدا شوند نیز، به تأثیر بر روی یکدیگر ادامه

خواهند داد. قانون اول را قانون تشابه و دومی را قانون تماس یا سرایت می‌نامیم. جادوگر، از اولین قانون در می‌یابد که، می‌تواند هر اثری را فقط با تقلید از آن تولید کند؛ و از دومی در می‌یابد که هر کاری که بر روی شیئی انجام می‌دهد، بر روی کسی که زمانی با آن شخص ارتباط داشته اثر خواهد گذاشت.»

. «تمرکز یا مدیتیشن». محدود کردن به یک شی یا اراده متصور به یک میزان مشخص، طبق آلیسترکرولی، باعث تولید یک پدیده جادویی و سحرآمیز می‌شود و یا باعث “ایجاد واقعهای در مغز می‌شود که اساساً با اتحاد فاعل و مفعول (شیء) صورت می‌گیرد. ” (کتاب چهارم، قسمت اول: جادوگری). جادو، همانطور که

پیشتر گفته شد، می‌کوشد با معطوف کردن توجه به شی (یا اراده) انتخاب شده به طور مداوم، دستاوری را که گفته شد، تولید کند. برای مثال، اگر کسی مایل است بر روی یک خدا تمرکز کند، می‌تواند یک سیستم برابر یا همانند را به خاطر بسپارد و سپس هر شی را که می‌بیند، به آن “همانند یا برابر” کند.

آلیستر کرولی اینگونه می‌نویسد: تعالی ذهنی توسط اعمال و کارهای جادویی همان نتایجی را خواهد داشت که در یوگا صریح و بی‌قید و شرط به دست می‌آید. “بنابراین “جادوی”

کرولی، یک نوع اصل ذهنی، جادویی را روحی می‌شود که برای تربیت ذهن برای دستیابی به تمرکز بیشتر طراحی شده. کرولی همچنین ادعا

کرد که magick می‌تواند اثرات غیر معمول را نیز داشته باشد؛ که در واقع این رابطه‌ای را با اصل اول در این لیست نشان می‌دهد. در عین حال، او هر گونه تلاش برای استفاده از این نیرو برای هدفی جز کمک به کسب (دست‌آوردی) ذهنی و روحی را به عنوان “جادوی سیاه” می‌داند.

. «نیروی جادویی نیمه خودآگاه». برای آنها که فکر می‌کنند نیاز دارند ذهن نیمه خودآگاه خود را قانع کند تا تغییراتی را که می‌خواهند، انجام دهند، همه روح‌ها و انرژی‌ها تصاویر و نمادهایی هستند که برای ضمیر نیمه خودآگاه معنا دارند. گونه دیگر این عقیده این است که، ضمیر نیمه خودآگاه توانایی ایجاد ارتباط با

ارواح را دارد که می‌توانند کارهای جادویی انجام دهند.

. ""وحدانیت در همه""؛ که بر اساس مفاهیم یکی بودن و عدم ثنویت (رد ثنویت) بنا شده، این فلسفه بر این باور است که جادو بیشتر از به کار بستن ذاتی خود در عالم نیست. اندیشه اصلی این است که، با فهم اینکه خود، نامحدود است، انسان می‌تواند طوری زندگی کند که خواهان توازن طبیعت باشد و بنابراین، فقط به عنوان یک خادم و جزء کوچک زندگی کند.

. در واقع انسان هر کاری را که اراده کند می‌تواند انجام دهد چون خدا از روح توانای خود در او دمیده ولی نمی‌تواند در برابر خدا شورش کند چون توانایی روح او جزیی از

توانایی بینهایت خداست پس جز کمتر از کل
است.

در نتیجه انسان می‌تواند هر نوع جادویی را انجام
دهد ولی خدا جادو را کاملاً حرام کرده پس از آن
بپرهیزید.

نظریه‌های دیگری هم وجود دارد. جادوگران
معمولاً این مفاهیم را با هم می‌آمیزند و حتی
گاهی چند مفهوم را خودشان اختراع می‌کنند.
بویژه در جریان امروزی هرج و مرج جادوگری
عقیده داشتن به هر مفهومی در مورد جادوگری
نامعمول به نظر نمی‌رسد.

فن و روش جادوگری

اگر وجود جادو را باور کنیم شکست در جادو ممکن است دلایل واقعاً زیادی داشته باشد. با این حال چند مثال کوچک مفید است:

- . دنبال نکردن روند به طور دقیق
- . مناسب نبودن شرایط که مانع از هدایت نیروها می‌شوند
- . کمبود توانایی جادوگری
- ...

تاریخ جادوگری

نوشتار اصلی: تاریخ جادو

عقاید جادویی در اروپای غربی

عقیده به اعمال مختلف جادویی در اروپا و تاریخ غرب مرتباً ظهور کرده و کمرنگ شده، و این همه تحت فشارهای دین یکتاپرستی نهادینه شده یا بدبینی در مورد واقعیت جادو و خوب بودن علم گرایی بوده است. در دنیای عهد باستان (روم) جادو مثل امروز تا حدی عجیب و غریب پنداشته می شد. مصر، سرزمین hemeticism و بین النهرین و سرزمین پارس (ایران)، خاستگاه اولیه موبدان مکانهایی بودند که تصور می شد تخصص در امر جادوگری فراوان می باشد. در مصر، پاپیروس های زیادی به یونانی، کپتیک و دموتیک بر جای مانده اند. این منابع، شامل نمونه های اولیه بیشتر فعالیت های جادویی است و آنچه که بعد، قسمتی از انتظارات است فرهنگ غربی از کارهای جادویی را تشکیل می داد، بویژه در جادوی آیینی از همین

بر جای مانده هاست. آنها شامل نمونه‌های اولیه زیر می‌شوند: استفاده از کلمات جادویی که گفته می‌شد نیروی فرمان دادن به ارواح را دارند.

استفاده از عصاهای شعبده بازی و دیگر ابزارهای سنتی.

استفاده از حلقه جادویی برای دفاع از جادوگر در مقابل ارواحی که [[احضار یا زنده]] می‌کند؛ و

استفاده از نشانه‌های رمز آلود و تفکر sigil که در برانگیختن یا زنده کردن روحها به کار می‌رفت.

استفاده از مدیوم‌های روحی نیز در این متن‌ها وجود دارند؛ بسیاری از جادوها، بچه‌ای را طلب می‌کنند تا در حلقه جادویی آورده شود و به عنوان رابطی برای رساندن پیام‌ها از ارواح عمل کند. زمان امپراتور جولیان روم، که با تأثیرات مسیحیت

One Book

مقابله می‌کرد، احیاء فعالیت‌های جادویی نو-
افلاطونی را در پرده کرامات (theurgy) به خود
دید.

در قرون وسطی

نویسندگان قرون وسطایی، که تحت کنترل کلیسا
فعالیت می‌کردند، فعالیت‌های جادویی خود را
محدود به مخلوط کردن عجایب و مجموعه‌هایی
از طلسم‌ها کردند. آلبرتوس مگنوس را به درست یا
غلط، انجام دهنده چنین فعالیت‌هایی می‌دانند.
گونه‌های مخصوص مسیحی شده جادو در این
دوره پدید آمدند. در اوائل دوران قرون وسطی،
فرقه بقایای مقدس به عنوان اشیایی که برای
تکریم و تعظیم و به عنوان دارنده نیروهای فوق
طبیعی استفاده می‌شدند، پدید آمد. داستانهای

باور نکردنی از نیروی این بقایای مقدس به جای مانده از قدیسان که باعث معجزات یا جادوها می‌شد، نه تنها برای شفای مریض، بلکه برای عوض کردن نتیجه یک نبرد بر جای مانده‌است. این بقایای مقدس به تعویزهایی تبدیل شده بودند و کلیساها تلاش می‌کردند نمونه‌های کمیاب و گرانبیمنت آنها را خریداری کنند، به امید اینکه مکانی شوند برای زیارت. مانند هر تلاش اقتصادی دیگری، تقاضا باعث افزایش عرضه شد. داستانهایی از بقایای مقدس معجزه آمیز قدیسان ساخته می‌شد. به عنوان مثال: «داستان‌های طلایی» از جاکوبس دُ وُراجین یا «گفته گوه‌های جادویی» اثر سزار هیترباک محبوبیت خاصی هم داشتند. گونه‌های رسماً تجویز شده دیگری از جادوی مسیحی نیز موجود بود. مثلاً شیطان شناسی و

فرشته‌شناسی که در اولین grimoire ها که پایه این شیطان‌شناسی‌های مسیحی را تشکیل می‌دهد، جادوگر را ترغیب می‌کند خود را با روزه گرفتن، عبادت (دعا) و قربانی کردن تقویت کند، تا با استفاده از نام مقدس خدا به زبان‌های مقدس، بتواند از نیروی الهی برای مجبور کردن شیطان به ظاهر شدن و در خدمت اهداف شهوت‌آمیز و حرص‌آلود او بودن، استفاده کند. عجیب نبود که کلیسا این مناسک و اعمال را همگی رد می‌کرد. در قرن سیزدهم، نجوم (ستاره‌شناسی)، نام‌های بزرگی داشت: در انگلستان، برای جوهان دُ ساکربُسکو، در اروپا، گویدو بُناتی ایتالیایی که اهل فرلی بود.

جادوگری در رنسانس

نوشتار اصلی: تاریخ جادو

پیشنهاد می‌شود با قسمت زیرین ادغام شود.

اومانیسم رنسانسی ظهور مجدد hermeticism و دیگر گونه‌های نو-افلاطونی جادوگری آیینی را به خود دید. از طرف دیگر رنسانس و انقلاب صنعتی ظهور علم گرایی را به شکل جایگزینی شدن شیمی به جای کیمیاگری، رد نظریه بطلموسی در مورد جهان و رشد تئوری جرم تجربه کردند. تنش‌هایی که توسط رفرماسیون پروتستان بوجود آمد، تحولی را در تعقیب و آزار مخالفان فکری بخصوص در آلمان، انگلستان و اسکاتلند پدید آورد؛ ولی نهایتاً الهیات جدید پروتستانی، با به زیر سؤال بردن عقیده‌ها و مناسک دینی که بخواهد برای اهداف زمینی و جادویی به کار رود، دشمنی جدید را برای جادوگری آغاز کرد. علم گرایی نیز بیش از دین، دشمنی خونی تر برای جادوگری محسوب می‌شد.

همزمان با جادوگری آیینی و مخصوصی که توسط تحصیل کردگان انجام می‌شد، فعالیت‌های عامه روزمره کسانی که در سرتاسر اروپا به جادوگری می‌پرداختند وجود داشت که یکی از این گروهها مردم حيله گر و نيرنگ باز در بریتانیای کبیر بود. در فعالیت‌های جادویی شان، از ستاره‌شناسی، عقاید و رسوم عامه (فولکور) و گونه‌های تحریف شده جادوگری مسیحی برای پاسخ به نیازهای مشتریان بهره می‌گرفتند.

جادوگری و مسلک رومانتیک (رومانتی سیسم)

آزمایش‌ها تجربی بارون کارل ریشن باخ با Odic force که متعلق به او بود، تلاش کرد خلاء بین جادوگری و علم را پر کند. دوره‌های دیگری نیز در حدود اواخر قرن نوزدهم پدید آمدند که علاقه به

جادوگری در آنها رشد کرد، در آن زمان نمادگرایی و دیگر اثرات رومانتی سیسم علاقه جدیدی را به روحانیت جادویی و عجیب و غریب ایجاد کردند. استعمارگری اروپا که غربی‌ها را با هند و مصر در ارتباط قرار می‌داد، عقاید جادویی و عجیب دیگری را به اروپای آن زمان معرفی کرد. در نیمه دوم قرن نوزدهم تعداد زیادی مؤسسات جادویی تشکیل شد که شامل Hermetic Order of the Golden Dawn و Theosophical society و به ویژه گونه‌های دیگری جادوگری در مورد فراماسونری بود The Golden Dawn. اوج قدرت خود را با جذب سرشناسان فرهنگی مانند ویلیام باتلر ییتز، الگوان بلک وود و آرتور میکن به دست آورد.

جادوگری در قرن بیستم

نوشتار اصلی: تاریخ جادو

پیشنهاد شده این قسمت با قسمت زیرین ادغام شود. متن پیشنهاد در صفحه ویرایش به این صورت بود:

احیاء مجدد علاقه به جادوگری در انگلستان با لغو آخرین قانون جادوگری در سال ۱۹۵۱ از سر گرفته شد. این سرنخی شد برای جerald گاردنر تا اولین کتاب غیر داستانی (واقعی) خود به نام “جادوگری امروز” را منتشر کند که در آن، او ادعا می‌کرد وجود یک فرقه (جادوگری) را که به دوران اروپای پیش از مسیحیت باز می‌گشت، آشکار کند. او جادوگری و دین را به گونه‌ای آمیخت که ملت در روشنفکری، مرزهای بین این دو موضوع را تشخیص نمی‌دادند. دین تازه انتشار یافته گاردنر و

بسیاری دیگر، به فضای دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ قدم گذاشتند که در آن زمان ضد فرهنگ هیپیها نیز علاقه دیگری را به جادوگری، روحانیت و دیگر اعمال خارق العاده طبیعت بوجود آورده بودند. شاخه‌های مختلف [[نو-الحادی (بی‌دینی نو) و دیگر دین‌های زمینی که از زمان گاردنر تا کنون انتشار یافته‌اند، طرح ترکیب جادوگری و دین را دنبال می‌کنند. برخی از فمینیست‌ها که روند جادوگری مربوط به ضد فرهنگ را دنبال می‌کردند، یک حرکت مستقل برای پرستش الهه را در پیش گرفتند. این عمل، آنها را به سنت دین جادویی گاردنری مرتبط ساخت و در عوض تأثیر زیادی بر روی آن سنت نیز از خود بر جای گذاشت.

عقاید

برخی مردم در غرب یا به گونه‌های مختلف جادوگری عقیده دارند یا آنها را انجام می‌دهند. دو نهاد Golden Dawn و آلیستر کرولی و پیروانشان، به احیاء مجدد سنت جادوگری در دنیای انگلیسی زبان قرن بیستم معروفند. جنبش‌های مشابه دیگری نیز در حدود همین سالها انجام پذیرفت که عمدتاً در فرانسه و آلمان متمرکز بودند. بیشتر تصدیق می‌کنند و به عنوان نو-کافرها (نو-مشرکان) تلقی می‌شوند. سنت‌های دیرینه بومی جادوگری به عنوان کفر (الحاد) پنداشته می‌شوند. آلیستر کرولی املاي "magick" کلمه جادویی را قبول داشت و آن را به عنوان "علم و هنر ایجاد تغییر که مطابق با اراده باشد" می‌دانست. منظور او هم اعمال عادی و روزمره‌ای که توسط اراده انجام می‌شود هست و هم جادوگری سنتی. در فصل ۱۴

کتاب خود به نام “جادوگری در تئوری و در عمل”،
کرولی می‌گوید: «یک عمل جادویی چیست؟
ممکن است آن را عنوان هر واقعه‌ای در طبیعت
که توسط اراده صورت می‌گیرد تعریف کنیم. ما
نباید پرورش سبب زمینی یا بانکداری را از تعریف
خود مستثنی کنیم. بگذارید مثالی بسیار ساده از
یک عمل جادویی بزنیم: مردی که بینی اش را پاک
می‌کند.» با وجود اینکه بسیاری از جادوگران، واژه
“ملحد (کافر)” را ترجیح می‌دهند، “نو-الحادی
(نوکافری)” را برخی واژه‌های دقیق‌تر برای ارجاع
علمی به آن می‌دانند؛ هر دو از لحاظ فنی
واژه‌های صحیحی هستند، زیرا “نو-الحادی” چیزی
نیست جز یک شاخه کوچک الحاد و کفر. ویکا نیز
یکی از سنت‌های مشهور در نو-الحادی است، که

یک دین جادویی همراه با تأثیراتی از Golden Dawn و کرولی است.

ویکان‌ها و دیگر پیروان جادوگری دینی مدرن از جادوگری به طور گسترده‌ای استفاده می‌کنند. با این حال، همه آنها، آن تعریفی که کرولی از جادوگری دارد، ندارند و آن را برای مقاصد یکسان نیز به کار می‌برند. روکبی (۲۰۹-۱۹۳:۲۰۰۴) نشان می‌دهد که ویکان‌ها و جادوگران، این واژه را به اشکال بسیار متفاوت تعریف می‌کنند و آن را برای هدف‌های گوناگونی به کار می‌برند. بر خلاف تعدد عقیده‌ها، او به این نتیجه‌گیری می‌رسد که نتیجه کلی این کار بر روی کسی که آن را انجام می‌دهد، مثبت است.

جادو در قرن بیست و یکم

One Book

در بعضی کشورها در قرن ۲۱ام گزارش‌هایی از آزار و کشتار کسانی که به گفته مسوولان «جادوگر» خوانده می‌شدند، وجود دارد. عربستان سعودی تاکنون چندین تن را به جرم جادوگری اعدام کرده است که واپسین نمونه‌های آن در ماه دسامبر سال ۲۰۱۱ با اعدام یک زن و در ماه ژوئن سال ۲۰۱۲ با اعدام یک مرد به وقوع پیوست.

جادو در آثار هنری

جادو در تصاویر

جادو در ادبیات

در ادبیات غنایی: عشق، عنصر اصلی ادبیات غنایی بارها سنگ کیمیایی نامیده شده که ناخالصی‌ها را با درد و رنج از مس وجود عاشق می‌زداید و سپس آن را به طلا تبدیل می‌کند.

One Book

در ادبیات حماسی: در شاهنامه فردوسی:

• رستم در خان چهارم با زن جادوگر روبرو
می‌شود

• پس از جنگ اوّل رستم و اسفندیار، که رستم از
۸ تیری که به بدن او خورده بود، با درمان
سیمرغ شفا یافت؛ در روز بعد به میدان آمد.
اسفندیار شدیداً از زنده بودن او غافلگیر شد و
گفت: «تو با جادوی زال چنین سالمی»

در ادبیات داستانی: یک دسته از جادو را هم
می‌توان در ادبیات داستانی دید که در آنجا، جادو
به عنوان ابزار پلات عمل می‌کند، منبع شیء
مصنوع جادویی و طلب برای به دست آوردن آن.
جادو از دیرباز موضوع بسیاری از داستانها، بویژه
داستانهای خیال‌پردازی بوده‌است. می‌توان از

کارهای هومر و آپولیوس، جام مقدس، فری کوئین
اثر ادموند اسپنسر و نویسندگان جدیدتری مانند
J.R.R. Tolkien و مرسدس لاکی و جی.کی.
رولینگ نام برد. چنین جادویی هم می‌تواند توسط
عقاید و اعمال واقعی به ذهن نویسنده خطور کند
و هم ساخته ذهن خود او باشد. گذشته از این،
هنگامی هم که نویسنده از کارها و اعمال واقعی
الهام می‌گیرد، اثر، توان و نقش‌هایی که جادو ایفا
می‌کند، ساخته ذهن خود او هستند. در چنین
داستانهایی همیشه باید یک سیستم که به طور
مناسبی رشد یافته‌است وجود داشته باشد. یک
خصوصیت جادوی داستانی این است که توانایی
انجام آن ذاتی است و از قدرت بیشتر افراد خارج
است. در میانه زمین اثر J.R.R. Tolkien، این
نیرو منحصر به غیر-انسانها بود - حتی آرگورن که

One Book

دست‌هایش شفا بخش هستند، مقداری خون جن و پری گونه دارد. اما برای بسیاری از نویسندگان، این نیرو برای گروه خاصی از انسانها است، مانند کتابهای «هری پاتر» اثر جی.کی. رولینگ، کتابهای کترین کرتز، «رمانهای درینی» «یا دنیای Lord» «Daray» اثر رندل گارت. این گروه اغلب، یک گروه سری یا تحت تعقیب است. در مقایسه، جادو در زمانهای «دیسک‌ورلد» اثر تری پراچت به گونه‌ای کاملاً متفاوت استفاده شده است. به عبارتی، جادو نیروی اصلی در اثر Disc است و مانند نیروهای اصلی و عادی از قبیل جاذبه و الکترومغناطیس در دنیای ما عمل می‌کند. “عرصه جادویی” داستان Disc، به طور کلی، خرق واقعیت است که به یک سیاره صاف اجازه می‌دهد تا سوار بر پشت یک لاک پشت باشد. بر روی این سیاره مسطح به نام

Disc، جادو به بخش‌های عنصری خود تقسیم می‌شود، همانطور که انرژی و نیروهای دیگر در فیزیک کوانتوم به همین صورت در می‌آیند. جادو از واحدهای پایه‌ای به نام thaum تشکیل شده که این نیز از اجزائی به نام "reson" ها (به معنای «چیزک») تشکیل شده که خود از ۵ «مزه» تشکیل شده‌اند: بالا، پایین، کنار، جذبه جنسی و نعناع. جادوگران در صحنه این داستان کم هستند و اغلب این توانایی، ذاتی است (به استثنای اینکه، هشت پسر یک هشت پسر باید جادوگر شود، حتی اگر آن پسر، دختر باشد) و به نوعی آموزش نیاز دارد. (باز هم با چند استثناء: رجوع کنید به «Sourcerry» در این داستان، جادوگران باید، آنطور که انسانها روی زمین از سلاحهای هسته‌ای استفاده می‌کنند، از جادوی خود استفاده کنند؛ اگر این نیرو را داشته

باشی عیبی ندارد، اما اگر در حال استفاده از آن تو را ببینند، آن موقع است که به دردسر می‌افتی. اثرات جانبی دیگر جادوی Discworld عبارتند از:

- . تضعیف نیروهای طبیعی از قبیل مغناطیس
- . کم شدن سرعت نور هنگام عبور از یک میدان قوی جادویی به میزان ۱ میلیونم.
- . اثر تقویت شده عقیده انسان بر روی واقعیت. بر روی تعداد کافی از افراد تأثیر می‌گذارند تا به یک خدا عقیده پیدا کنند و چنین خدای در پیش چشمان خودتان ظاهر می‌شود. («خدایان کوچک»)

- . این منجر به پدید آمدن قانونی به نام قانون علیت داستانی می‌شود- چیزها فقط به خاطر داستان اتفاق می‌افتند. اژدهاها آتش از دهان خود بیرون می‌دهند. نه به این خاطر که

ششهایی از جنس آزبست دارد، بلکه چون این کاری است که آنها انجام می‌دهند. (برای اطلاعات بیشتر به دیسک‌ورلد مراجعه کنید)

اضافه بر این، برای جادوی داستانی اصلاً غیر ممکن نیست که از صفحات و مطالب خیالی به انجام عملی جادوگری پردازد؛ سرنوشت «Necronomicon» هم که توسط اچ. پی.

لاوکرافت به عنوان داستان خلق شده بود، چنین بود. او Necronomicon را آنچنان خوب توصیف کرد که نویسندگانی مدرن زیادی کوشیده‌اند آن را به عنوان یک کتاب جادو تولید کنند. در پلاتهای داستانهای عملی تخیلی (بخصوص از نوع «سخت» آن)، در حالی که سعی می‌شود از جادو استفاده نشود، اغلب واقعیات خارق‌العاده‌ای نشان داده می‌شوند که پایه علمی ندارند و توضیحی هم

برایشان داده نمی‌شود. در این موارد، خواننده باید "قانون سوم" آرتورسی-کلارک را به خاطر آورد که: "هر فناوری بسیار پیشرفته‌ای غیرقابل تمیز و تشخیص از جادو است." "عنصر جادو، جادو (بازی) (به تصویر کشیده می‌شود، که در آن جادو خاصیتی است که در شرایط خاصی قابل دسترسی برای بازیگران است. جادوگران و جادوگری محصول عمده ادبیات داستانی ووشیا چین است که در بسیاری از فیلمهای هنرهای رزمی وجود دارد.

عکس هایی از جادو



One Book



خدای جادو در یونان باستان

One Book

پایان

برگرفته از

Wiki Pedia

نویسنده

One book

One Book